



مدد حقوق



شماره چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۳۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

- امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
همایون مافی، مرتضی پورعزیز
بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نو ظهور
سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
سعید مولوی، نرجس دریانی چلچله
تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
ایرج مروتنی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
لژوم جرم انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
مهدی رجائیان، شادی چگینی
ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
امیرحسین ابوالحسنی، ستار فخرایی، زینب قادری
واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
حجت اله دهقانی
سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
سیدحجت الله علم الهدی، محمد مهدی اسدی
اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
علیرضا باقری حسن آبادی
مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
ایوب رحیمی
مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
احمدرضا سلطانیان
مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
چیران ابراهیمی
سیاست‌گذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
محبوبه طالبی رستمی
تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
وحید کیومرثی
مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
مهدی قره داغی، مسعود سرفرازی صالح
مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
حبیب اله عبدالله پور، حمیدرضا نام آور
تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
جواد چراغی
تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
محمد احمدی
مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
جواد دشتیان
قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
علی باباپور همراهلو، پویا بنی هاشم
مالکیت و بهره برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
احمد پدیدار، یاسر صیادپور
حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
عارفه قاسم زاده ده آبادی
بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی)
نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
علیرضا درانی
شناسایی و اولویت بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکدی‌گری در زاهدان
محمدکمال دادرسی
مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
علی فراحی
تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
رامد مهر رحمانی گل افشان
مروری تاریخی بر جرم انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری



The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them

وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن

Saeed Molavi

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

سعید مولوی
استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران
molave-s@sku.ac.ir

Narjes Darbani Chelche

Master of Science in Private Law, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran (Corresponding Author)

نرجس دربانی چلچه
کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول)
narjesdarbani77@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0004-0265-446x>

Abstract

Joint invention is an invention for which a registration certificate has been jointly granted to two or more persons and the rights arising from it belong to all of them. Joint ownership in an invention can take various forms. The rights arising from a joint invention will be subject to the provisions regarding property and joint rights, including: Joint owners cannot transfer or mortgage their share without the consent of the other owners. Joint owners can use without the consent of the other joint owners, unless otherwise specified and agreed upon in the contract. Joint owners cannot issue an exclusive or non-exclusive exploitation license without the consent of the other joint owners. Also, joint owners can agree against the above procedures, meaning that joint owners can agree that the possibility of exploiting a registered joint invention belongs only to one of the joint owners. The main purpose of the research is to examine the joint invention system in light of the latest changes in the Iranian legal system, and to examine the manner and means of ensuring the rights of inventors. The research method will be descriptive-analytical using library and documentary sources. The results and achievements of the research showed that the rights arising from joint inventions will be subject to the provisions regarding property and joint rights. Also, the presentation of models for sharing property and benefits arising from joint inventions is a common practice.

Keywords: Joint Invention, Common Ownership, Assignment of Rights, Material Rights.

چکیده

اختراع مشترک اختراعی است که گواهینامه ثبت آن مشترکا به دو یا چند نفر داده شده و حقوق ناشی از آن به تمامی آن‌ها تعلق داشته باشد. مالکیت مشترک در اختراع می‌تواند به شکل‌های مختلفی واقع شود. حقوق ناشی از اختراع مشترک تابع احکام راجع به اموال و حقوق مشترک خواهد بود که از جمله این احکام عبارتند از: مالکین مشترک نمی‌توانند بدون رضایت بقیه مالکین سهم خود را منتقل یا در رهن قرار دهند؛ مالکین مشترک می‌توانند بدون رضایت بقیه مالکین مشاع استفاده کنند مگر این که در قرارداد خلاف آن تصریح و مورد توافق قرار گرفته باشد؛ مالکین مشترک بدون رضایت بقیه مالکین مشاع نمی‌توانند مجوز بهره‌برداری انحصاری یا غیرانحصاری صادر نمایند. همچنین، مالکین مشترک می‌توانند برخلاف رویه‌های فوق توافق کنند، به این معنا که مالکین مشاع می‌توانند توافق کنند که امکان بهره‌برداری از اختراع مشترک ثبت شده فقط متعلق به یکی از مالکین مشاع باشد. هدف اصلی این پژوهش بررسی نظام اختراعات مشترک با توجه به آخرین تغییرات نظام حقوقی ایران، بررسی نحوه و چگونگی تضمین حقوق مخترعان می‌باشد. روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. نتیجه و دستاورد پژوهش نشان داد حقوق ناشی از اختراع مشترک تابع احکام راجع به اموال و حقوق مشترک خواهد بود. همچنین ارائه مدل‌های تسهیم اموال و منافع ناشیه، مشترک هستند.

واژگان کلیدی: اختراع مشترک، مالکیت مشاعی، واگذاری حق، حقوق مادی.

ارجاع:

مولوی، سعید؛ دربانی چلچله، نرجس؛ (۱۴۰۴)، وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن، تمدن حقوقی، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

اثری که در نتیجه همکاری چند نفر به وجود می‌آید ممکن است دارای وضعیت‌های متفاوت باشد. ممکن است همکاری با هماهنگی و سازمان‌دهی شخصی حقیقی یا حقوقی و یا با هماهنگی بین خود مؤلفان بدون دخالت شخص ثالث صورت گیرد. در این همکاری ممکن است سهم مشارکت کنندگان قابل تعیین و یا غیرقابل تعیین باشد. مشارکت هر یک ممکن است از یک نوع و یا انواع گوناگون باشد، به عنوان مثال، اثر دارای عناصر ادبی و هنری باشد، یا این که از یک نوع مثلاً ادبی تنها باشد.

این امکان وجود دارد که مؤلف در تهیه اثر از اثر سابق بهره گرفته باشد که در این صورت از اثر جدید تحت عناوین گوناگون ثانوی، مشتق و یا اشتقاقی یاد می‌شود. این نوع آثار شامل اقتباس، ترجمه، جنگ در زمینه ادبی و تنظیم در زمینه موسیقی و تبدیل در زمینه هنرهای پلاستیکی^۱ می‌شود. اگر مؤلف اثر سابق در تهیه اثر دوم همکاری داشته باشد اثر دوم ثانوی نیست، بلکه اثر مشترک تلقی می‌شود. به هر حال، امکان این که یک اثر مشترک در عین حال ثانوی هم باشد، وجود دارد.

در رشته حقوق مالکیت فکری مؤلفان به اعتبار آثارشان مورد حمایت می‌باشند. اگر در آفرینش اثر افراد متعدد شرکت کرده باشند، در این صورت طبیعی است که کلیه مؤلفان با توجه به میزان و نحوه

مشارکت آن‌ها مشمول حمایت قرار گیرند. به عبارت دیگر، نحوه مشارکت آفریننده در آفرینش اثر عامل تعیین کننده در نوع و عنوان اثر و نیز تعیین حقوق شریک همکار و اجرای آن است. در اکثر نظام‌های حقوقی به عناوین اثر مشترک و جمعی به عنوان آثاری که در نتیجه فعالیت دو یا چند نفر حاصل می‌شود اشاره شده است، بدون این که بر مفهوم این اصطلاحات، نوع و میزان حقوق اختصاصی بین آن‌ها اتفاق نظر وجود داشته باشد. در برخی قوانین معیار تشخیص اثر جمعی از اثر مشترک تشخیص و تعیین مؤلف هر بخش قرار گرفته است، با این توضیح که اگر مؤلف هر بخش مشخص باشد اثر جمعی و در غیر این صورت اثر مشترک خواهد بود.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش پیرامون موضوع، به دلیل اشاره قانونگذار به بحث اختراعات اشتراکی و عدم تبیین نکات مربوط به این بحث می‌باشد، همچنین پژوهشگران در خصوص این نهاد هنوز تألیف‌ها و پژوهش‌هایی که بتواند اصل مطلب را بیان نموده و ضمن آن نکات مختص به اختراعات مشترک بررسی شود تا مخترعان مشترک در خصوص اشکالات و اختلاف نظرات شان بتوانند به آن مراجعه و نسبت به آینده اختلافات خود قادر به پیش‌بینی باشند وجود ندارد، فلذا به علت عدم وجود یک قانون که تمام محاکم به اجرای آن ملزم باشند و همچنین نپرداختن کافی و وافی پژوهشگران و دکترین در این حوزه، برخورد محاکم با موضوعات مشابه در این حوزه ممکن است یکسان نباشد و سبب تضییع حقوق افراد گردد.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نظام اختراعات مشترک با توجه به آخرین تغییرات نظام حقوقی ایران، بررسی نحوه و چگونگی تضمین حقوق مخترعان می‌باشد. همچنین ارائه ملاک‌هایی جهت افراز یا عدم افراز پذیر بودن اختراعات مشترک که با مصلحت اختراع سازگار باشد مدنظر است؛ کوشش می‌شود در مواردی که قانون مسکوت است و مخترعان نسبت به آینده اختراع و پیش‌بینی حقوق خود نیز سردرگم هستند راهگشایی شود.

با توجه به این که تمرکز این پژوهش بر یکی از مصادیق مهم این آثار، یعنی اختراع مشترک است در این زمینه پرسش‌های متعددی وجود دارد. در اختراع مشترک لزوماً باید اشخاص حقیقی در مرحله اختراع دخیل باشند تا اختراع مشترک محسوب شود یا اگر یک شخص حقوقی سرمایه‌گذاری را بر عهده گرفت یا حتی یک مرحله از مراحل به سرانجام رسیدن اختراع را بر عهده گرفت هم مشکلی ندارد؟ آیا افراد

حقوقی هم می‌توانند در اختراع مشترک سهم باشند یا خیر؟ به بیان دیگر آیا عنوان مخترع مشترک فقط بر افراد حقیقی صدق می‌کند یا نسبت به افراد حقوقی هم صادق است؟

چالش دیگری که مطرح است این که حدود اختیارات مخترعان مشترک در تصرفات مادی و حقوقی‌شان چگونه است؟ که این بحث خود محلی از تردیدها است. اگر طرفین با هم به اختلافی بر بخورند دادگاه صالح کدام است؟ اگر قصد افراز مالکیت مشاع را داشته باشند یا در فرضی که فردی صاحب ایده و فرد دیگر سازنده ایده می‌باشد آیا امکان افراز وجود دارد؟ اختلافات آن‌ها به چه صورتی حل خواهد شد؟ در اختراعات مشترک همان‌طور که گفتیم حاصل تلاش و تخصص افراد مختلف است هنگام بروز اختلاف آیا امکان افراز سهام وجود دارد؟ تلاش می‌شود ملاک‌هایی جهت افراز مالکیت‌های مشاعی اختراعات ارائه شود، همچنین به تعیین قلمرو افراز مالکیت‌های مشاع در اختراعات مشترک خواهیم پرداخت. مخترعان مشترک تا چه حدودی می‌توانند بدون اجازه سایر شرکا در مال موضوع اختراع تصرفاتی داشته باشند؟ آیا لازم است تمامی امور مربوط به اختراع با اجازه تمامی شرکا صورت گیرد؟ در صورت تصمیم یکی از شرکاء بر انتقال میزان سهام خود در اختراع مشترک آیا وی با محدودیتی روبرو است؟

روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی خواهد بود و در راستای پاسخ به پرسش‌های مطرح چهار گفتار طرح گردیده است. در گفتار اول نحوه همکاری در اختراع مشترک بیان شده است. در گفتار دوم حقوق مادی و معنوی اختراع مشترک از نظر می‌گذرد به این صورت که به انواع حقوق مادی و معنوی در اختراع مشترک اشاره می‌گردد. در گفتار بعدی به ضمانت اجراهای تخطی از مقررات اختراع مشترک بحث شده است و این ضمانت اجراها به ضمانت اجرای مدنی، کیفری و گمرکی تقسیم شده‌اند. در گفتار آخر هم به بحث صدق یا عدم صدق اختراع مشترک به مال مشاع پرداخته می‌شود.

۱- نحوه همکاری در اختراع مشترک

۱-۱- اثر جمعی

اثری که در اکثر قوانین ملی تصریح شده و مورد مناقشه حقوقدانان است و بیشترین ابهام را دارد، اثر

جمعی^۲ است. این اثر با همکاری چند مؤلف و به ابتکار و سازمان‌دهی یک شخص حقیقی و یا حقوقی منتشر می‌شود. نوعی اثر بی‌نام است. در این نوع اثر حقوق مؤلف مستقیماً به شخص حقیقی یا حقوقی که اثر تحت نام او تهیه و منتشر می‌شود، تعلق می‌گیرد، هر چند که خلاقیت با شخص حقوقی ناسازگار است. این مانع از آن نیست که نویسندگان بخش‌های معین از حق مؤلف در رابطه با بخش‌های مشخص مربوط به خود برخوردار باشند.

قابل یادآوری است که بیشترین فایده برخورداری مستقیم شخص حقوقی از حق مؤلف در مواردی ظاهر می‌شود که اثر توسط کارمند او خلق شود. در اکثر قوانین ملی به مانند ماده ۴۸۵ قانون مدنی شوروی سابق اعلام شده است: حق مؤلف در مورد مجموعه‌های علمی، فرهنگ لغات و جراید به مؤسساتی که آن‌ها را منتشر می‌کنند، تعلق دارد، بدون این که به حقوق مؤلفان شرکت‌کننده در این آثار لطمه‌ای وارد شود (کلمبه، ۱۳۸۵: ۶۷). انتشار و چاپ مجدد اثر به تصمیم شخصی که اثر تحت نام او منتشر شده صورت می‌گیرد، اگرچه مؤلفان بخش‌های مشخص می‌توانند جداگانه اقدام به بهره‌برداری بخش مربوط به خود نمایند، به شرط این که به بهره‌برداری از اثر جمعی لطمه‌ای وارد نشود (محمدزاده و ارقانی، ۱۳۸۷، ۳۲۷).

مطابق بند پنجم ماده ۱۱۳ L قانون مالکیت فکری فرانسه اثر جمعی در مالکیت شخص حقیقی یا حقوقی که تحت نام او اثر افشاء و نشر شده می‌باشد. این شخص دارنده حق مؤلف است. در حالی که به‌طور طبیعی حق مؤلف به آفریننده تعلق می‌گیرد و سپس او حقوق خود را به بهره‌بردار منتقل می‌کند، اما مطابق قانون، حق مؤلف مستقیماً در ملکیت طرف قرارداد اعم از شخص حقیقی یا حقوقی به وجود می‌آید، بدون این که از مؤلف عبور کند، سرمایه‌گذار مستقیماً دارنده حقوق است. به بیانی دیگر او منتقل‌الیه حقوق و نیز مؤلف نیست، بلکه برخوردار از حقوق است تا زمانی که خلاف آن اثبات نشده است.

مطابق ماده ۳-۱۲۳ L قانون مالکیت فکری فرانسه شروع مدت حمایت تاریخ انتشار و مدت آن هفتاد سال است. از آن جا که طول عمر شخص حقوقی می‌تواند بسیار طولانی باشد، لذا قانونگذار این مدت را محدود به هفتاد سال از تاریخ انتشار کرده است. در صورت تجاوز به اثر مدیر مجاز به طرح دعوی تجاوز حق مؤلف است. با توجه به ماده ۶-۱۲۳ L ق.م.ف. صاحب‌نظران در حقوق فرانسه بر این عقیده‌اند که مؤلفان مشارکت‌کننده در اثر جمعی جنبه مقطوع دارد، بدون این که حق تألیف نسبی کاملاً منتفی باشد.

۱-۲- اثر مشترک

یکی از انواع آثار مرکب که نتیجه فعالیت چند مؤلف می‌باشد و متفاوت از اثر جمعی است، اثر مشترک است. در برخی از حقوق‌ها به اثری مشترک اطلاق می‌شود که نه تنها چند مؤلف در آفرینش آن نقش دارند، بلکه نقش آن‌ها به نحوی است که پس از به نتیجه رسیدن اثر تعیین این که کدام بخش نتیجه فعالیت کدام مؤلف است غیرممکن است.^۴ در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی مفهوم اثر مشترک وسیع‌تر از برداشت اخیر است. در این کشورها اصطلاح نه تنها شامل این نوع آثار است، بلکه شامل آثاری نیز است که مؤلف هر یک مشخص و معین‌اند، اما هر یک از بخش‌ها با همکاری و همفکری سایرین بخش مربوط به خود را تهیه و عرضه می‌کنند، به همین لحاظ هم اثر مشترک نامیده می‌شود. پس این خالی از اهمیت است که مشارکت‌ها قابل تشخیص باشند یا خیر، این امکان وجود دارد که از جهت فیزیکی قابل تجزیه، اما از جهت فکری و روحی غیرقابل تجزیه باشند.

آفرینش توسط چند نفر صورت می‌گیرد، مؤلفان متعدد با گردآوری کارهای خود تصمیم به خلق یک اثر مشترک می‌گیرند. تفاوت با اثر جمعی در این است که همکاری مؤلفان در آفرینش اثر مشترک به صورت افقی است و نه عمودی. مؤلفان خود با یکدیگر در موقعیت‌های مساوی متحد می‌شوند تا اثری مشترک خلق کنند، بدون این که کار آن‌ها توسط مدیر یا مؤسسه‌ای کنترل و اداره شود.

بنابراین، ضابطه تعیین اثر مشترک در همفکری بین مؤلفان و آزادی عمل آن‌ها و نبود کارفرما نهفته است. پس، اگر یکی از همکاران فقط به انجام دستورات اکتفاء کرده باشد و از خود خلاقیتی بروز نداده باشد، الزاماً باید او را همکار در سطح عمودی تلقی کرد. همکاری و همفکری بین مؤلفان باید جنبه واقعی داشته باشد و از روی هم قرار دادن کارهای انفرادی بدون همفکری یکدیگر اثر مشترک پدید نمی‌آید. همکاری باید جنبه واقعی داشته باشد، دادن ایده و عنوان به تنهایی کفایت نمی‌کند. رویه قضایی فرانسه از پذیرش این عنوان برای نقاشی که دخالت او به دادن موضوع و راهبردهای کلی محدود شده، بدون این

3- oeuvre de collaboration

۴- این برداشت با تعریف ارائه شده از اثر مشترک در نظام‌های حقوقی انگلستان و ایالات متحده آمریکا منطبق است. با وجود این در یکی از آراء صادره از دادگاه انگلستان آمده است: برای تشکیل یک اثر مشترک باید طرحی مشترک وجود داشته باشد.

که عمل نقاشی را کنترل کند، همچنین استادی که دخالت او به راهنمایی شاگرد در انتخاب مواد محدود شده و نیز مشتری عکاسی که دخالت او به راهنمایی های کلی به روی موضوع عکس محدود شده، امتناع کرده است.

در حقوق فرانسه معیار اثر مشترک این است که مؤلفان متعدد با مشورت یکدیگر تحت ایده واحده به خلق اثر مشترک بپردازند، فکر مشترک هیچ منافاتی با تقسیم کار ندارد. مهم این است که هر بخشی در چهارچوب برنامه مشترک صورت گیرد. این گونه است که رویه قضایی عنوان مؤلف را برای همکاری که در چهارچوب برنامه مشترک وظیفه تصحیح را به عهده داشته قائل است. دخالت مؤلفان در تهیه اثر مشترک باید با همفکری صورت گیرد و به زعم دبو^۵ استاد پیشکسوت در این رشته «با وحدت نظر» و «نظارت متقابل» صورت گیرد.

به تعبیر رویه قضایی اثر مشترک نتیجه همفکری خلاق مؤلفان است و این همفکری در حالتی که همکار به عنوان تنظیم کننده عمل کرده است، وجود ندارد. مطابق ماده ۲-۱۱۳ L قانون مالکیت فکری فرانسه اثری مشترک نامیده می شود که در تحقق آن چندین شخص حقیقی مشارکت داشته باشند. در نظام شخص محور فرانسه مؤلف همکار نمی تواند کسی جز شخص حقیقی باشد، لذا اگر یکی از مؤلفان شخص حقوقی باشد، اجرای قاعده با اشکال مواجه خواهد شد. در این صورت این پرسش مطرح است که با مشترک تلقی نشدن اثر آیا می توان آن را مشمول قواعد عام اموال مشاع قرار داد؟ پاسخ برخی به این پرسش مثبت است، با این استدلال که قواعد مدنی تنظیم کننده روابط بین شرکاء اعم از شخص حقیقی و یا حقوقی است که تصمیم بر استفاده از حقوق مالی خود به طور مشترک گرفته اند اما این قواعد قادر به اعطای عنوان همکار مشترک در یک اثر مشترک نیستند، این ویژگی خاص صرفاً با اعمال قانون مالکیت فکری^۶ امکان پذیر است.

۲- حقوق مخترع

در نظام مالکیت اختراع منابع اقتصادی و اجتماعی حکومت دارد، برخلاف حق مؤلف که دارای منطق

5- debois

۶- مدنی

7- L0113-32

دیگری است و منابع اقتصادی و اجتماعی در آن کمتر حاکم است. مبنای اصلی حمایت از حقوق مالکیت صنعتی حفظ حقوق مادی اثر است و به حقوق معنوی کمتر توجه می‌شود. به‌طور کلی، مصادیق گوناگون و متنوعی برای حفظ حقوق مادی صاحب ورقه اختراع وجود دارد که مشتمل بر تولید و تکثیر، عرضه برای فروش، واردات، صادرات، ذخیره، نگهداری و استفاده می‌باشد. در قانون قدیم^۸ و قانون جدید^۹ هیچ تعریفی از حقوق مادی اثر ارائه نشده است. اما در ماده ۵ «آئین نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۳» حقوق مادی اثر به این صورت تعریف شده است: «حقوق مادی نرم‌افزارهای رایانه‌ای بدون این که منحصر به مصادیق زیر باشد عبارت از حق استفاده شخصی، حق نشر، حق عرضه، حق اجرا، حق تکثیر و هرگونه بهره‌برداری اقتصادی است که قابل نقل و انتقال می‌باشد».

با توجه به ماده ۲۸ موافقتنامه تریپس که تحت عنوان حقوق اعطایی آمده است: «ثبت اختراع به مالک آن، حقوق انحصاری زیر را اعطاء خواهد کرد. الف- در مواردی که موضوع ثبت یک محصول است چنان چه اشخاص ثالث بدون موافقت مالک اقدام به ساخت، استفاده، فروش، عرضه برای فروش یا وارد کردن این محصول برای مقاصد یاد شده کرده باشند، مالک می‌تواند از اقدامات آن‌ها جلوگیری به عمل آورد. ب- در مواردی که موضوع ثبت یک فرایند است، چنان چه اشخاص ثالث بدون موافقت مالک اقدام به استفاده از فرایند کرده باشند از این اقدام و همچنین استفاده، عرضه برای فروش یا وارد کردن محصولی که مستقیماً از این فرایند به دست می‌آید، مالک می‌تواند جلوگیری به عمل آورد». به موجب ماده ۳۳ قانون قدیم^{۱۰} حقوق انحصاری^{۱۱} مخترع عبارت است از: «الف- حق انحصاری ساخت. ب- حق انحصاری فروش. پ- حق انحصاری اعمال. ت- حق استفاده از اختراع».

۲-۱- حقوق مادی و معنوی اختراع مشترک

حمایت از حق اختراع در حقوق ایران، اولین بار به موجب قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰

۸- مصوب ۱۳۱۰

۹- مصوب ۱۳۸۶

۱۰- مصوب ۱۳۱۰

۱۱- همان حقوق مادی

محقق شد. فصل اول این قانون به ثبت علائم تجاری و فصل دوم به حق اختراع و فصل سوم به مقررات مشترک اختصاص دارد. همچنین آیین‌نامه اجرایی این قانون در سال ۱۳۱۰ تصویب و در سال ۱۳۳۷ اصلاح شد. دستور ثبت اختراع طبق ماده ۳۱ قانون ثبت علائم و اختراعات، متعاقب تقاضای ذینفع توسط دادگاه شهرستان تهران به اداره ثبت اسناد داده می‌شد. بعدها اداره ثبت شرکت‌ها و علائم و اختراعات^{۱۲} به موجب آیین‌نامه مصوب ۱۳۳۷ این وظیفه را بدون نیاز به دستور دادگاه بر عهده گرفت. این اداره در سال ۱۳۴۰ به «اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی» و در سال ۱۳۵۲ به «اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی» تغییر نام یافت.

از سوی دیگر، در تاریخ تیر ماه ۱۳۱۰ به موجب اصلاحیه قانون مجازات عمومی برای تجاوز به حق اختراع، به موجب ماده ۲۴۹ این قانون، ضمانت اجرای کیفری مقرر گردید. پس از انقلاب، بدو تحت تأثیر پاره‌ای از آموزه‌های فقهی و آرای برخی فقها، حمایت از حقوق مالکیت فکری^{۱۳} با چالش‌هایی مواجه شد و اولین بار در ماده ۱۲۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ شکل خاصی از تجاوز به حق اختراع در روابط امانی جرم تلقی شده بود که البته امروزه هر دو نص کیفری فوق نسخ شده‌اند و حمایت کیفری از حق اختراع به صورت مطلق و عام در نظام حقوقی فعلی ایران وجود ندارد.

تصویب قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ نیز از این جهت که نرم‌افزارهای رایانه‌ای را می‌توان نوعی اختراع تلقی کرد حائز اهمیت است. تصویب این قانون هم از جهت پذیرش شرعی بودن حمایت از حقوق مالکیت فکری به‌طور عام و حق اختراع به‌طور خاص، از نظر مقام رسمی متولی تشخیص شرعی یا غیرشرعی بودن قوانین^{۱۴} و هم از حیث پذیرش ضمانت اجرای کیفری در این زمینه مورد توجه است.

۱-۲-۱- حقوق مادی

مراد از این عنوان مجموعه حقوقی است که به مخترع و در اثر ثبت اختراع تعلق می‌گیرد و قابل تقویم به

۱۲- به‌عنوان بخشی از اداره ثبت اسناد و املاک

۱۳- به‌ویژه حمایت کیفری

۱۴- شورای نگهبان

پول، قابل واگذاری^{۱۵} و نهایتاً مقید به دوره زمانی محدود است. از آن جا که غرض مخترع از ثبت اختراع خود، بهره‌مندی و برخورداری انحصاری از حقوق مترتب بر این امر می‌باشد و بهره‌مندی از این حقوق بدون اخذ رضایت وی، در واقع نادیده انگاشتن حقوق مشروع و مسلم او است، هر جا از اقسام و صور مختلف حقوقی مادی سخن گفته می‌شود، بدیهی است که انتفاع از آن بدون سبب مشروع و قانونی تجاوز به حریم مخترع تلقی می‌شود.

الف- حق استعمال، تولید و تکثیر: استفاده از اختراع و به کار گرفتن آن در پاسخگویی به نیازهای روزمره و همچنین تولید و تکثیر از روی اثر اختراعی از جمله حقوق مسلم و بدیهی اختصاص یافته به مخترع است. البته در خصوص حق استعمال ذکر این نکته ضروری است که واگذاری یک نمونه از اثر اختراعی به دیگری توسط مخترع، حاوی «اجازه ضمنی^{۱۶}» وی به استعمال منتقل الیه و ایادی بعد از وی است و لذا اعمال این افراد تجاوز به حق مخترع تلقی نخواهد شد. در این خصوص ماده ۳۳ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ مقرر می‌دارد: «مخترع یا قائم مقام قانونی او حق انحصاری ساخت یا فروش یا اعمال و یا استفاده از اختراع خود را خواهد داشت» و این حکم مقنن با مفهوم بند اول ماده ۲۸ موافقتنامه تریپس که با نصی مشابه، ارتکاب اعمال مذکور در بالا را توسط اشخاص ثالث و بدون رضایت مخترع منع می‌کند، انطباق دارد (اصلائی، ۱۳۸۶، ۶۱).

ب- حق نگهداری، فروش و عرضه برای فروش: از دیگر حقوق متصور برای مخترعین این است که تنها آن‌ها حق دارند کالاهای موضوع اختراع یا محصولات ناشی از اعمال فرایند اختراعی را نگهداری کنند یا به دیگران واگذار کنند یا برای واگذاری عرضه نمایند. انجام این اعمال از سوی دیگران و بدون رضایت مخترعین، تجاوز به حق اختراع تلقی می‌شود. پر واضح است که عنوان انتخاب شده برای این حق موهم این معنا نخواهد بود که تنها واگذاری از طریق فروش ممنوع است، بلکه هرگونه واگذاری حتی به صورت بلاعوض را نیز شامل می‌گردد. یادآوری این نکته ضروری است که نگهداری، فروش یا عرضه برای فروش به صورت تکی و نه به صورت انبوه، تجاوز مستقیم به حق مخترعین تلقی نخواهد شد. همچنین، محصولی که اولین بار توسط دارنده حق اختراع به دیگری واگذار شده باشد، از شمول احکام فوق مستثناء است.

در این زمینه ماده ۳۳ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ مقرر می‌دارد: «مخترع یا قائم مقام قانونی او حق انحصاری فروش اختراع خود را خواهد داشت». لیکن حکم مقرر در بند اول ماده ۲۸ موافقتنامه تریپس علاوه بر فروش، عرضه برای فروش را نیز دربرمی‌گیرد و البته هر دو نص مذکور تعرضی به بحث نگهداری ندارند. در پیش نویس لایحه جدید حمایت از حق اختراع به موجب بند دوم ماده ۱۰ آن قانون فروش، عرضه برای فروش و نگهداری برای فروش هر سه از جمله حقوق انحصاری مخترع تلقی شده است.

ب- حق انجام واردات: ممکن است مخترعین امتیاز تکثیر و تولید کالای موضوع اختراع را در یک کشور به شخصی واگذار کنند. در چنین وضعیتی در صورتی که دارنده امتیاز بخواهد کالاهای تولید شده را به کشور دیگری وارد نماید، هر چند مجاز در تولید و تکثیر بوده، لیکن در خصوص واردات کالا بدون اخذ رضایت مخترع، مرتکب عمل نقض حق اختراع شده و به حق انحصاری مخترع در انجام واردات آن کالا تعدی نموده است. با این اوصاف روشن می‌شود که مراد از «واردات غیرمجاز» در چنین موردی، وارد کردن کالاها بدون کسب اجازه از دارنده حق اختراع است و ارتباطی به قوانین گمرکی ندارد. همچنین، باید توجه داشت که واردات اتفاقی یک کالا^{۱۷} نقض حق مخترعان تلقی نخواهد شد.

در حقوق ایران هر چند قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ حکمی در این باب مقرر نکرده است، لیکن ماده ۵ موافقتنامه پاریس که به منزله حقوق داخلی ایران است و عینا بخشی از موافقتنامه تریپس نیز می‌باشد، در خصوص محصولاتی که در نتیجه اعمال یک فرایند اختراعی به دست می‌آیند، مقرر می‌دارد که در این خصوص چنان رفتار می‌شود که گویی آن محصولات در داخل آن کشور تولید شده‌اند و این حکم به منزله اعمال حقوق انحصاری مخترع نسبت به این کالاها است. با این همه، حقوق ایران در خصوص اختراعات مربوط به «محصولات» مقرر خاصی ندارد و از این حیث با ماده ۲۸ موافقتنامه تریپس که این مورد را نیز مشمول ممنوعیت‌های فوق قرارداد انطباق ندارد.

ت- حق اجاره و اعطای مجوز بهره‌برداری: اعطای مجوز بهره‌برداری از اختراع نیز از جمله حقوق انحصاری متعلق به مخترعین است و بدون تحصیل چنین مجوزی هرگونه بهره‌برداری از اختراع عمل تجاوز کارانه تلقی خواهد شد. مجوز بهره‌برداری بر دو قسم است:

۱۷- به عنوان مثال واردات یک کالای به کار رفته در بدنه کشتی یا هواپیما

اول- مجوز بهره‌برداری اختیاری: این گونه مجوز از سوی دارندگان یا دارنده حق اختراع و با تراضی، به دیگری اعطاء می‌شود. اعطای چنین مجوزی در حقوق ایران در ماده ۳۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ پیش‌بینی شده و به موجب مدلول ماده ۴۰ همان قانون که مقرر می‌دارد: «هرگونه معامله راجع به ورقه اختراع باید به موجب سند رسمی به عمل آید و در دفتر ثبت اختراعات نیز ثبت شود والا آن معامله نسبت به اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود»، باید به موجب سند رسمی صورت پذیرد، لیکن ضمانت اجرای عدم رعایت چنین تکلیفی تنها بی‌اعتباری عمل نسبت به اشخاص ثالث^{۱۸} است. اعطای مجوز بهره‌برداری اختیاری ممکن است به صورت انحصاری و یا غیرانحصاری باشد.

دوم- مجوز بهره‌برداری اجباری: در صورتی که دارندگان یا دارنده حق اختراع بخواهد از حق انحصاری خود سوءاستفاده نماید و سلامت، امنیت یا اقتصاد جامعه را برهم زند، اصولاً مقام عمومی قادر خواهد بود که مبادرت به اعطای مجوز بهره‌برداری به نیابت از وی نماید که چنین مجوزی را مجوز بهره‌برداری اجباری می‌نامند. البته اعطای چنین مجوزهایی همواره با برخی قیود و شرایط تحدیدکننده از قبیل لزوم تلاش قبلی برای اخذ مجوز اختیاری، محدود بودن مجوز به مصارف عمومی و نه تجاری و پرداخت غرامت عادلانه و... مواجه است که می‌توان اهم این شروط را در ماده ۳۱ موافقتنامه تریپس ملاحظه کرد.

در نظام حقوقی ما اعطای مجوز بهره‌برداری اجباری پیش‌بینی نشده است. تنها به موجب ماده ۳۷ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، عدم استعمال عملی پروانه اختراع به مدت پنج سال از تاریخ صدور ورقه اختراع موجب می‌شود هر ذینفع بتواند از دادگاه تقاضای صدور حکم بطلان ورقه اختراع را نماید. تعارض این حکم قانونگذار با ماده ۳۱ موافقتنامه تریپس که ضمن پیش‌بینی پروانه اجباری در صورت سوءاستفاده مخترع یا مخترعین از حق خود، مقررات مفصلی هم برای آن پیش‌بینی کرده، آشکار است (اصلاحی، ۱۳۸۶، ۶۳).

ث- حق به رهن گذاردن: در برخی از نظام‌های حقوقی نظیر حقوق انگلستان، حق مخترع یا مخترعین همانند سایر حقوق مالکانه قابلیت به رهن گذاشتن را نیز دارا است که البته چنین حقی نه در حقوق ایران و

نه در موافقتنامه تریپس پیش‌بینی نشده است؛ امری که در حقوق ایران با توجه به مقررات مربوط به عقد رهن و لزوم عین بودن آن قابل پذیرش نمی‌باشد.

۲-۱- حقوق معنوی

منظور از این عنوان حق انتساب اثر به اختراع‌کنندگان واقعی آن است که بعضاً تحت عنوان حق اخلاقی مخترع یا مخترعین نیز از آن یاد می‌شود و این قید نشانگر ریشه این حق در اخلاق است. حق معنوی مخترع یا مخترعین برخلاف حقوق مادی وی قابل واگذاری به غیر یا تقویم به پول نبوده و مقید به دوره زمانی خاصی نیست. در همین زمینه ماده ۴ ثالث موافقتنامه پاریس که بخشی از قوانین ما را در این زمینه تشکیل می‌دهد و عیناً جزء موافقتنامه تریپس نیز می‌باشد، مقرر می‌دارد: «مخترع یا مخترعین حق دارد در ورقه اختراع از او به‌عنوان مخترع نام برده شود».

قانون مالکیت فکری فرانسه حقوق معنوی پدیدآورنده را این گونه برشمرده است: «پدیدآورنده از حق حرمت نسبت به نامش، پدیدآورندگی اش و اثرش برخوردار است». قانون کپی رایب آلمان، درباره حق انتساب این چنین مقرر نموده است: «پدیدآورنده از حق شناخته شدن پدیدآورندگی اثرش برخوردار است. اختیار تصمیم‌گیری نسبت به درج نامش بر روی اثر یا این که چه نامی بر روی اثرش درج شود با او است». قانون کپی رایب روسیه در این باره آورده است: «پدیدآورنده از حقوق شخصی و غیرمالکیتی زیر نسبت به اثرش برخوردار است: حق به رسمیت شناخته شدن به‌عنوان پدیدآورنده اثر؛ حق استفاده یا اعطای اجازه استفاده از این چنین اثری تحت نام واقعی پدیدآورنده، نام مستعار یا بدون ذکر نامش»^{۱۹}.

در بند نخست ماده ۱۹ قانون کپی رایب ژاپن این چنین آمده است: «پدیدآورنده از این حق برخوردار است که نام واقعی یا مستعارش بر روی نسخه اصلی اثر درج شود یا این که هنگامی که اثرش در جامعه عرضه و پخش می‌شود یا در اختیار عموم قرار می‌گیرد نامش به‌عنوان پدیدآورنده ذکر شود. در مواردی که معلوم است هیچ گونه خطر ورود خسارت متوجه منافع پدیدآورنده نسبت به حق پدیدآورندگی اش، با عنایت به هدف و شیوه بهره‌برداری از اثرش نیست، جایز است نام پدیدآورنده حذف شود مشروط بر این که این چنین حذفی با رفتار منصفانه سازگار باشد».

در ماده ۴۰ قانون کپی رایت چین در زمره حقوق اخلاقی پدیدآورنده، حق پدیدآورندگی به صورت زیر توصیف شده است: «حق پدیدآورندگی عبارت است از حق ادعای پدیدآورندگی و حق ذکر نام شخص بر روی اثر». قانون ایتالیا در ماده ۲۰ و قانون مصر در ماده ۱۴۳ مطابق با کنوانسیون برن، حق مورد بحث را تحت عنوان ادعای پدیدآورندگی تعریف کرده است. ماده ۶ مقرر کنوانسیون برن هم به اختصار این حق را تحت عنوان حق ادعای پدیدآورندگی اثر تعریف کرده است.

قانون حقوق مالکیت ادبی و هنری تونس نیز در زمره حقوق اخلاقی، حق پدیدآورندگی اثر را در ماده ۹ به صورت زیر تعریف کرده است: «الف- حق پدیدآورندگی: این حق دلالت بر این دارد که پدیدآورنده حق ادعای پدیدآورندگی نسبت به اثرش را دارد و حق دارد که نامش بر روی هر نسخه اثر قرار گیرد. ب- حق عدم پدیدآورندگی: این حق عبارت است از این که هنگامی که اثرش در اختیار عموم قرار گرفت [نام مؤلف] بی نام و مجهول باقی بماند. ج- حق نام مستعار فرضی: پدیدآورنده از این حق برخوردار است که نام مستعاری را به جای نام خودش فرض کند». ماده ۷۷ قانون انگلستان حق مزبور را این گونه تبیین نموده است: «پدیدآورنده اثر ادبی، نمایشی، موسیقایی، هنری و کارگردان فیلم این حق را دارند که با عنایت به شرایط مندرج در این ماده، به عنوان پدیدآورنده یا کارگردان اثر معرفی شوند».^{۲۰} همان طوری که گذشت قانون کپی رایت ایالات متحده آمریکا اگرچه حقوق اخلاقی را به عنوان قاعده‌ای کلی برای همه آثار ادبی و هنری قائل نشده است، اما به صورت محدود این حق را برای آثار هنری زیبا به رسمیت شناخته است (شیرری زنجانی، ۱۳۹۶، ۲۴۹).

الف- جلوه‌های مثبت حق انتساب اثر: از موارد یاد شده می توان جنبه‌های زیر را به عنوان جلوه‌های مثبت حق انتساب اثر به شمار آورد: حق به رسمیت شناخته شدن شخص به عنوان پدیدآورنده اثر؛ حق قرارداد نام واقعی یا مستعار شخص بر روی اثر به عنوان پدیدآورنده آن؛ حق افشای نام شخص به عنوان پدیدآورنده اثر. اگرچه جلوه نخست حق به حسب ظاهر عام است و می تواند از لحاظ لفظی شامل جلوه دوم نیز گردد،

۲۰- شایان ذکر است که اگرچه حقوق اخلاقی (معنوی) و به تبع آن حق انتساب در کشورهای دارای نظام حق مؤلف اساساً متعلق به پدیدآورنده است و از آن منفک نمی شود، اما برخی از کشورهای دارای نظام کپی رایت، از قبیل حقوق انگلستان بین پدیدآورنده و دارنده حقوق معنوی تفاوت قائل شده اند؛ مثلاً در مورد اثر صوتی یا فیلم، پدیدآورنده کسی است که ترتیب‌های لازم برای خلق اثر را فراهم نموده است. بنابراین تهیه کننده پدیدآورنده است در حالی که حقوق اخلاقی از جمله حق انتساب متعلق به کارگردان است.

اما با توجه به این که این جنبه در برخی قوانین همچون قانون روسیه، در عرض جنبه دوم حق قرار گرفته است به نظر می‌رسد مفهوم مزبور مضیق باشد و تنها شامل موردی شود که پدیدآورنده در نظر داشته باشد از طریقی غیر از قرارداد نام خود بر روی اثر به‌عنوان پدیدآورنده اثر شناخته شود. در مثل، چنان چه اشخاص دیگری بخواهند از متن کتابی مطلبی را نقل نمایند، لازم است نام پدیدآورنده اثر را به همراه نام کتاب نیز ذکر نمایند و به اصطلاح ذکر مأخذ کنند.

جلوه دوم یاد شده یکی از بارزترین جنبه‌های حق انتساب اثر است که در قوانین موضوعه بیشتر کشورها با تعبیر متفاوتی از آن یاد می‌شود و در پاره‌ای از قوانین قیوداتی به آن افزوده شده است. به‌عنوان نمونه قانون انگلستان، قانون استرالیا و قانون گینه این شرط را اضافه کرده‌اند که «نام پدیدآورنده باید به‌صورت کاملاً آشکار بر روی اثر باشد به گونه‌ای که هر استفاده‌کننده‌ای از اثر بتواند از هویت پدیدآورنده اثر آگاه شود». در دادگاه‌های فرانسه، در یک پرونده حقوقی با استناد به این حق، نام پدیدآورنده یک اثر عکاسی که به عمد از روی آن حذف شده بود، از مصادیق نقض حق به حساب آمد.

این جنبه از حق عموماً در جایی که حق مادی اثر مورد استفاده قرار می‌گیرد، قابل اعمال است، مثلاً پدیدآورنده حق دارد نامش بر روی جلد کتاب منتشر شده اش درج شود. همچنین، حق انتشار اثر با نام مستعار از جمله حقوق اخلاقی پدیدآورنده است که عدم رعایت آن می‌تواند نقض حق وی تلقی شود. به‌عنوان نمونه، در پرونده حقوقی الیست طرح شده در دادگاه فرانسه، پدیدآورنده^{۲۱} اثرش را به‌صورت مستعار منتشر ساخته بود، اما ناشر^{۲۲} آن را به نام واقعی او منتشر کرده بود. در این پرونده، حق پدیدآورنده مبنی بر اختیار تصمیم‌گیری او نسبت به استفاده مستعار از نامش به‌عنوان جلوه‌ای از اعمال حق انتساب اثرش توسط ناشر نادیده گرفته شده بود، از این رو دادگاه به استناد نقض حق محرمانگی نام او که سبب شده بود نامش برای اهداف تجاری و تبلیغاتی ناشر بدون رضایت او به کار رود، ناشر را محکوم به پرداخت خسارت نمود. جلوه سوم از جنبه‌های اثباتی حق جایی است که پدیدآورنده‌ای که قبلاً هویتش را مخفی کرده، تصمیم بگیرد با اعلان نام و مشخصاتش، هویت خود را افشاء سازد.

۲۱- خواهان

۲۲- خوانده

ب- جلوه‌های منفی^{۲۳} حق انتساب اثر: در باب جنبه‌های چندگانه حق انتساب، می‌توان موارد زیر را به‌عنوان ابعاد سلبی حق انتساب پدیدآورندگان اثر به حساب آورد و مورد تحلیل قرار داد:

اول- حق ممانعت دیگران از انتساب کل یا بخشی از اثر به غیر از خود او: این حق به منظور ممانعت دیگران از غصب حق ابوت است و به عبارت دیگر جهت جلوگیری از این که دیگران به دروغ و یا به اشتباه به‌عنوان پدیدآورنده معرفی شوند. بدیهی است حق مزبور دو حالت زیر را شامل می‌شود: اول این که شخص ثالث اثر را به خودش انتساب دهد، دوم این که شخص ثالث اثر را به شخصی غیر از پدیدآورنده و خودش نسبت دهد، به‌عنوان نمونه چنان چه ناشری اثر را به نام خود منتشر سازد، پدیدآورنده حق دارد نسبت به این امر اعتراض نماید.

حال انتشار اثر به نام شخص ثالث یا به‌صورت مستقیم و آشکار است یا غیرمستقیم و ضمنی. فرض اول ممکن است بیشتر در مورد آثار ناشی از استخدام یا آثار سفارشی مصداق پیدا کند. مثلاً در بسیاری از مؤسسات پژوهشی، چه بسا کارفرما به بهانه این که حقوق مادی پدیدآورندگان اثر را که یا از کارمندان او هستند یا با او قرارداد سفارش تهیه اثر پژوهشی دارند پرداخته‌اند، اقدام به درج نام خود^{۲۴} بر روی اثر به‌عنوان پدیدآورنده نمایند که این امر می‌تواند نقض جنبه یاد شده از حق انتساب پدیدآورنده به حساب آید. اما فرض دوم که به‌صورت غیرمستقیم و ضمنی است در مواردی اتفاق می‌افتد که اثر به نام شخص ثالث منتشر نمی‌شود، اما نام و یا علامت شخص ثالث به گونه‌ای بر روی اثر درج می‌شود که این احساس برای عموم خوانندگان به وجود می‌آید که آن ناشر خاص، پدید آورنده اثر می‌باشد (شیرینی زنجانی، ۱۳۹۶، ۲۵۶).

دوم- حق عدم ادعای پدیدآورندگی: در توضیح جنبه دوم منفی حق انتساب باید گفت از آن جایی که حق اختیاری است برای دارنده حق و اختیار از نوع قدرت است که به موجب آن شخص هم نسبت به انجام فعل و هم نسبت به عدم آن ذیحق و دارای اختیار است، بنابراین با توجه به این که پدیدآورنده به موجب نص قوانین بسیاری از کشورها، حق ادعای پدیدآورندگی را دارد، حق منفی عدم ادعای پدیدآورندگی را نیز دارد و می‌تواند نام واقعی خود را به اثر منتسب نسازد. اگرچه انتشار اثر با نام مستعار یا

۲۳- سلبی

۲۴- مثلاً با عنوان مؤسسه پژوهشی الف

بی‌نام در کنوانسیون برن نیامده است، اما این جنبه از حق به‌طور جداگانه و مستقل از حق ادعای پدیدآورندگی، در قوانین داخلی بسیاری از کشورها انعکاس یافته است.

درباره این جنبه از حق ممکن است این پرسش به ذهن خطور کند در جایی که پدیدآورنده تمایل ندارد به‌عنوان خالق اثر معرفی شود آیا اشخاص ثالث هم این وظیفه و تکلیف را دارند که با عدم افشای خالق اثر، حق مزبور را رعایت نمایند؟ برخی از نویسندگان معتقدند که حق انتساب ضرورتاً این حق را به پدیدآورنده مجهول یا دارای نام مستعار نمی‌دهد که اشخاص ثالث را از افشای نام منع نموده و باز دارد. با وجود این، قانون کپی‌رایت کانادا حق ناشناس ماندن را جنبه دیگری از حق انتساب می‌داند که به موجب آن وی حق دارد که دیگران را از ایجاد پیوند و ارتباط نام مؤلف با اثر او باز دارد.

سوم- حق گسستگی^{۲۵}: این جنبه در قوانین برخی از کشورها نظیر ایالات متحده آمریکا و انگلستان مورد تصریح واقع شده است. این حق بیشتر در مواردی است که به منظور سوءاستفاده از شهرت اشخاص مشهور، نام اشخاص دیگر بر روی اثری که خود آن را خلق نکرده‌اند قرار داده شده و به غلط به آن‌ها انتساب داده می‌شود. بر اساس این حق، پدیدآورنده این حق را خواهد داشت که نام خود را از روی اثری که آن را خلق نکرده و منسوب به او نیست حذف نماید که این شامل دو مورد می‌شود: یکی این که وی حق داشته باشد نامش را از روی نسخه‌های تحریف شده اثر حذف کند و دوم این که وی از استفاده تبلیغاتی نادرست از نامش جلوگیری به عمل آورد.

در توضیح بیشتر مفهوم حق گسستگی باید گفت این حق بر دو نوع است: اول این که شخص ثالث پدیدآورنده را کسی معرفی کند که در واقع، خالق اثر نیست؛ دوم این که شخص ثالث سکوت اختیار کند اما سکوت او از نظر عرفی دلالت بر این امر داشته باشد که پدیدآورنده شخص ثالثی است که اثر را خلق نکرده است که در این حالت ممکن است شخص ثالث ملزم به تذکر عمومی این نکته باشد که وی خالق اثر نیست. با وجود این، در دکترین فرانسه، آلمان و ایتالیا حق گسستگی به‌عنوان یکی از جلوه‌های حقوق اخلاقی پدیدآورنده مورد انتقاد جدی قرار گرفته است، زیرا اصولاً این امر ارتباطی با فرض پدیدآورندگی شخص ندارد؛ به عبارت دیگر، موضوع حق اشخاص «غیرپدیدآورنده» هستند که اثر فکری به غلط به آن‌ها نسبت داده شده است. اگرچه دادگاه‌های فرانسه در پاره‌ای موارد این قبیل موارد را

به‌عنوان موارد نقض حقوق معنوی به حساب آورده‌اند.

چهارم- حق انکار: آخرین بعد از ابعاد حق انتساب، «حق انکار یا رد»^{۲۶} است. این حق مربوط به حالتی می‌شود که شخص ثالث اثر را به پدیدآورنده‌اش نسبت می‌دهد اما اثر آن چنان توسط دیگران دستخوش تغییر شده است که انتساب اثر مزبور به وی، سبب مخدوش شدن شهرت او می‌شود. در این حالت، پدیدآورنده از این حق برخوردار است که انتساب اثر یاد شده را به خود انکار نماید.

این حق خاص که در قانون کپی‌رایت فدرال ایالات متحده آمریکا به رسمیت شناخته است، در ایالت‌های آمریکا به شکل‌های مختلفی قید خورده است؛ بر این اساس، طبق قوانین ایالت پنسیلوانیای آمریکا، نفس تغییر در اثر به خودی خود دلیل بر مخدوش شدن شهرت پدیدآورنده است. برخی دیگر از ایالت‌ها، این حق را مشروط به این کرده‌اند که دلیل معتبر و منصفانه‌ای بر ورود ضروریان به پدیدآورنده ناشی از این انتساب وجود داشته باشد که یکی از این دلایل می‌تواند لطمه به شهرت شخص باشد.

۳- ضمانت اجرا

اقداماتی را که در جهت مقابله با عمل تجاوزکارانه به حق مخترع می‌توان معمول داشت می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۳-۱- ضمانت اجرای مدنی

اولین حق مخترعان که حقوق آنان از رهگذر اعمال تجاوزکارانه مورد تعرض قرار گرفته، جبران زیان‌های وارد شده تحت شرایط عام مسئولیت مدنی است. در این خصوص ماده ۴۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، علاوه بر زیان‌های وارد شده، منافی را نیز که دارندگان حق اختراع از آن محروم شده‌اند، قابل مطالبه می‌داند که به نظر می‌رسد با توجه به خاص بودن قانون فوق و عام بودن حکم تبصره دوم ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که خسارت ناشی از عدم‌النتفع را غیرقابل مطالبه می‌داند، حکم عام لاحق توان نسخ حکم خاص سابق را نداشته باشد. چنین استنتاجی متضمن انطباق مقررات مربوط در حقوق ایران با ماده‌های ۴۴ و ۴۵ موافقتنامه تریپس است که جبران خسارت وارد شده را به عهده نقض‌کننده حق قرار داده است (اصلائی، ۱۳۸۶، ۶۵).

همچنین، مخترعین می‌توانند از محکمه تقاضای منع متجاوز از ادامه اعمال تجاوزکارانه را نمایند و محکمه در این باب تابع قواعد عام مربوط به صدور دستور موقت خواهد بود. البته در این باب ماده ۶۴ «اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۹۲» نیز حکم مشابهی مقرر نموده است و از آن جا که در ماده ۵۰ موافقتنامه تریپس صدور دستور موقت مبنی بر منع متجاوز و شرایط آن پیش‌بینی شده است، می‌توان حکم به انطباق مقررات حقوق ایران در این باب با مفاد موافقتنامه موصوف را داد. از سوی دیگر، موافقتنامه تریپس امکان معدوم کردن کالاهای حاصل از طریق عمل تجاوزکارانه را به‌عنوان اختیار اعضاء پیش‌بینی کرده است که البته به نظر می‌رسد، معادل چنین اختیاری در حقوق ایران تنها در صورت تحصیل این محصولات از طریق عمل مجرمانه و به موجب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ امکان‌پذیر است.

۳-۲- ضمانت اجرای کیفری

به لحاظ آثار زیانبار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در پاره‌ای نظام‌های حقوقی تجاوز به حق مخترعین جرم تلقی شده و مستوجب مجازات است. در نظام حقوقی ایران به‌رغم وجود چنین وضعیتی در سال‌های پیش، فعلاً نسی که متضمن قابل مجازات بودن تجاوز به حق اختراع باشد به چشم نمی‌خورد. با این حال، از آن جا که در ماده ۶۱ موافقتنامه تریپس تکلیف اعضای این موافقتنامه در جعل مجازات برای اعمال تجاوزکارانه تنها در خصوص «جعل عمدی علامت تجاری یا سرقت حق کپی‌برداری در مقیاس تجاری» و نه نقض حق اختراع، پیش‌بینی شده است، از این جهت تعارض بین دو نظام حقوقی موردنظر وجود ندارد.

۳-۳- ضمانت اجرای گمرکی

این قبیل ضمانت اجراها در واقع قسمی از ضمانت اجراهای مدنی یا غیرکیفری^{۲۷} است. این نوع ضمانت اجراها تنها در خصوص صادرات و واردات غیرمجاز قابل اعمال هستند. به عبارت دیگر، زمانی پای این ضمانت اجراها به میان می‌آید که پدیده مرز در جریان کالاهای حاصل از نقض حق مخترعین دخیل باشد و اقداماتی از قبیل تعلیق ترخیص، توقیف کالاها در گمرک و حتی دورریختن کالاها را دربرمی‌گیرد که

در بخش سوم قسمت اجرای حقوق موافقتنامه تریپس^{۲۸} به تفصیل بدان پرداخته شده است. این اقدامات در حقوق ایران پیش‌بینی نشده‌اند، لیکن به لحاظ اختیاری بودن آن‌ها در موافقتنامه تریپس موجبی برای تعارض و ناسازگاری دو نظام حقوقی وجود ندارد (شیخی، ۱۳۸۵، ۱۱۱).

۴- صدق یا عدم صدق اختراع مشترک به مال مشاع

مالکیت از جمله عناوینی است که در حقوق، به‌عنوان مبنا و پایه بسیاری از مباحث حقوقی مورد توجه می‌باشد؛ زیرا در هر جامعه‌ای، اشخاص معمولاً دارای مالکیت در اموال هستند، هرچند که این مالکیت به‌صورت جزئی باشد. مالکیت می‌تواند به‌صورت مفروز و یا مشاع باشد. از نمونه‌های بارزی که سبب پیدایش مالکیت مشاع می‌گردد، ارث است؛ به این صورت که با فوت هر شخص، اموال او به حالت اشاعه به مالکیت ورثه او در می‌آید و این سبب کاملاً قهری و بدون اراده مالکین است و تا زمانی که بحث ارث مطرح است، مالکیت مشاع نیز مطرح خواهد بود.

اشاعه در مالکیت، نقص محسوب می‌شود و این نقص، در اعمال حق مالکانه مؤثر بوده و محدودیت‌هایی را برای شرکاء ایجاد می‌کند. این محدودیت‌ها باعث می‌گردد شریک در تصرف و اعمال حق خود، با مشکل مواجه گردد و این رابطه، تابع اصول و قواعد خاصی خواهد بود، به نحوی که هرگونه اقدام مالکین خارج از این قواعد و مقررات، گاه موجب ضمان و مسئولیت بوده و فاقد اعتبار می‌باشد.

ضرورت پرداختن به مال مشاع در این قسمت، به دلیل محدودیت‌هایی است که هریک از مخترعین در تصرفات خود در اختراع مشترک دارند و این یعنی سلب آزادی طرف مقابل از تصرف در اختراع مشترک شان، بدون اخذ اذن از شریک خود. یکی از ابداعات انسان امروزی جهت استفاده و رفع محدودیت‌های حاصل از زندگی صنعتی و ماشینی که به واسطه به وجود آمدن مالکیت مشاع و عدم امکان خرید اموال به‌صورت مفروز و اعمال حق به‌صورت کامل، به وجود آمده، مالکیت زمانی می‌باشد. مالکیت زمانی، نوعی مالکیت و سرمایه‌گذاری دسته‌جمعی مجتمع‌های خدماتی- مسکونی می‌باشد که تهیه و سرمایه‌گذاری آن به‌صورت فردی، مشکل و گران خواهد بود. بدین جهت، چند نفر به‌صورت

مشترک برای خرید اقدام می‌نمایند و در خصوص میزان مالکیت هر شریک و چگونگی استفاده، شرکاء با یکدیگر توافق می‌نمایند و یکی از قالب‌های حقوقی که در ارتباط با مالکیت زمانی قابلیت بحث و بررسی دارد، مالکیت مشاع می‌باشد که بررسی آن از این لحاظ حائز اهمیت است.

در مال مشاع، چند نوع تصرفات صورت می‌گیرد؛ یکی از آن تصرفات، تصرفات حقوقی و دیگری، تصرفات مادی در مال مشاع می‌باشد.

۴-۱- تصرفات حقوقی در اختراع مشترک به مثابه مال مشاع

از نظر حقوقی، تصرف شریک در مال مشاع در صورتی صحیح و نافذ محسوب می‌شود که در مقدار سهم خود از مال مشاع انجام دهد؛ اما در صورتی که شریکی بخواهد در سهام شرکای دیگر تصرف کند، چنین تصرفی حکم معامله فضولی را دارد و غیرنافذ است. یکی از دلایل قائل شدن به تصرف مالکان در مال خود، قاعده تسلیط است که از حدیث مشهور نبوی که ترجمه آن چنین است: «مردم بر اموال و دارایی‌های خود مسلط هستند»، گرفته شده است. بر طبق قاعده تسلیط، هر مالکی می‌تواند نسبت به مال خود هر تصرفی را بکند (بیهقی، ۱۴۱۹ق، ۱۹۹).

۴-۲- تصرفات مادی

منظور از تصرفات مادی در مال مشاع، انجام اعمالی است که موجب و باعث تسلط و استیلاء بر مال مشاع و با استفاده از آن می‌شود؛ نظیر سکونت در خانه، تعمیر و تخریب و امثال آن (امامی، ۱۴۰۱، ۱۳۲). تصرف مادی، گاهی در مقام اجرای یک عمل حقوقی صورت می‌گیرد؛ مثل آن که پس از عقد بیع، فروشنده باید مبیع را تسلیم مشتری کند. تسلیم مبیع به مشتری و تسلط ساختن او بر مال، یک تصرف مادی است که به منظور اجرای عمل حقوقی^{۲۹} صورت گرفته است؛ همچنین تصرف مادی ممکن است هیچ ارتباطی با تصرف و عمل حقوقی نداشته و صرفاً مادی باشد، مثل آن که در خانه مشاع سکونت نماید. از لحاظ ترتیب احکام و آثار، هیچ تفاوتی بین تصرف مادی به منظور اجرای عمل حقوقی و غیر آن وجود ندارد.

از دیدگاه فقها، تصرف مادی در مال مشاع، از نظر عقلی و شرعی انجامش بدون اذن شرکاء قبیح است؛ زیرا تصرف مادی در مال مشاع، مستلزم تصرف در سهام سایر شرکاء است (نجفی، ۱۳۹۲، ۳۰۵) و

(حلی، ۱۳۷۶، ۱۳۰). بر طبق ماده ۵۸۲ قانون مدنی، در صورتی که یکی از شرکای مال مشاع، بدون تحصیل اذن و یا خارج از حدود اذن سایر شرکاء، اقدام به انجام تصرف ۳۰ در مال مشترک کند، در صورتی که بعداً سایر شرکاء آن را اجازه ندهند، وی ضامن است و در صورتی که خساراتی وارد آید، آن شریک در برابر خسارات وارده مسئولیت دارد و باید آن را جبران کند. ورود ضرروزیان، از جمله ارکانی است که سبب تحقق مسئولیت مدنی می‌باشد. (داراب‌پور، ۱۳۹۹، ۹۷) و (قاسم زاده، ۱۴۰۰، ۸۴) و (هاشمی، ۱۳۸۶، ۲۲) و (باریکلو، ۱۴۰۲، ۶۰).

در تصرف مادی در مال مشاع، به این دلیل که تصرف هر شریک در مقدار سهم خود موجب تجاوز و مزاحمت برای سهام سایر شرکاء می‌شود، لذا باید از سایر شرکاء اذن بگیرد؛ مثلاً تسلیم بیع مشاع، جزء تصرف حقوقی است؛ اما تسلیم مبیع مشاع، جزء تصرف مادی است و این تسلیم مبیع مشاع به مستاجر، به اذن سایر شرکاء نیاز دارد و به این دلیل و بر طبق ماده ۳۰ قانون مدنی، شریک در تصرف مال مشاع آزادی کامل ندارد، بلکه محدودیت دارد (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۱۴۲).

تصرفات مادی در مال مشاع توسط یکی یا بعضی از شرکاء، ممکن است با اذن دیگر شرکاء باشد و یا بدون اذن دیگران و این پرسش مطرح است که در تصرفات مادی، نیاز به اذن دیگر شرکاء وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، هر دو قضیه را جداگانه بررسی می‌کنیم؛ اما نخست باید راجع به مفهوم لغوی و اصطلاحی اذن، توضیحاتی داده شود. بدین ترتیب، این قسمت را در سه بند جداگانه و با عناوین «مفهوم اذن»، «لزوم تحصیل اذن در تصرفات مادی» و «مصادیق تصرفات حقوقی» مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱-۴-۲- اذن در تصرف در مشاعات

از ماده‌های ۵۷۱ قانون مدنی به بعد، به‌طور مرتب از کلمه اذن و مشتقات آن استفاده شده است. می‌توان آن را این چنین تعریف کرد که اذن عبارت است از: «ازاله منع قانونی، به سود یک یا چند نفر معین و یا اشخاص غیرمعین از طرف مقنن یا شخص معین». توضیح آن که برای انجام دادن پاره‌ای از اقدامات، موانعی وجود دارد که این موانع را گاهی قانون به وجود آورده است؛ این موانع قانونی، گاهی برای این ایجاد می‌شود که منافع شخص و یا اشخاصی اقتضاء می‌کند که برای حفظ آن منافع علیه دیگری، مانعی

شناخته شود. بنابراین، با توجه به این مطالب، چنین می‌توان بیان کرد که هرگاه قانونگذار مانعی را از سر راه بردارد، این رفع مانع که مستقیماً از جانب قانونگذار اعلان می‌شود، اذن قانونی نام دارد. پس نتیجه این می‌شود که منشاء اذن قانونی، خود قانون است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ۲۸۸).

در حقوق ایران، اذن، یک عمل حقوقی است؛ یعنی نیاز به اراده دارد و به همین دلیل، اذن‌دهنده باید عاقل، بالغ و رشید باشد؛ یعنی اهلیت برای صدور اذن و اعلام رضایت را داشته باشد. مأذون نیز که با گرفتن اذن، قصد تصرف در مال مشاع را تا حدود اذن دارد، باید اهلیت کامل داشته باشد. علاوه بر این، مورد اذن نیز باید معلوم و معین باشد و در صورتی که مجهول یا مبهم باشد، اذن هیچ‌گونه اثری ندارد و کان لم یکن تلقی می‌شود. عمل حقوقی به انشاء نیاز دارد و در واقع می‌توان گفت که اذن، اباحه موردنظر را انشاء می‌کند. به بیان دیگر، اگر فردی به شخص دیگری اذن دهد تا در مال او تصرف کند، در واقع آن شخص با دادن اذن به دیگری، سبب می‌شود موانعی که در راه تصرف وجود دارد، از بین رود. متصرف ممنوع با انشاء اذن‌دهنده، مباح می‌شود و توقفی بر انشاء متوقف مأذون و قبول وی ندارد. رد مأذون، مانع تحقق یا بنای اذن نمی‌شود و چنانچه مأذون اذن را رد کند، تا زمانی که اذن‌دهنده از اذن خود برنگشته باشد، می‌تواند در مورد اذن تصرف نماید. طبق این دیدگاه، اذن، عمل حقوقی یک طرفه و ایقاع می‌باشد (فصیحی‌زاده، ۱۳۸۰، ۲۲۲).

مطابق ماده ۵۷۸ قانون مدنی: «شركاء، همه وقت می‌توانند از اذن خود رجوع کنند؛ مگر این که اذن در ضمن عقد لازم، داده شده باشد که در این صورت، مادامی که شرکت باقی است، حق رجوع ندارد». بنابراین، مطابق ماده ۵۷۸ قانون مدنی، اثر اذن شریک در مال مشاع، هیچ التزامی ایجاد نمی‌کند و به همین دلیل است که می‌توان از اذن، رجوع کرد؛ مثل موردی که شریک اجازه دهد تا در مال مشاع، مرده‌ای دفن شود. در این جا، پس از دفن میت، نمی‌تواند از اذن خود رجوع کند. همچنین اگر رجوع از اذن، به قصد اضرار باشد و به عبارتی ثابت شود که رجوع برای رفع حاجت یا رفع ضرر نیست، این رجوع معتبر نبوده و دادگاه می‌تواند او را به پرداخت خسارات وارده به سبب این رجوع محکوم کند و یا حتی مانع از رجوع از اذن شود (فصیحی‌زاده، ۱۳۸۰، ۳۰).

با توجه به ماهیت اشاعه، مال مشاع دو یا چند مالک دارد و هریک از مالکین، در هر ذره از مال شریک بوده و حق مالکیت دارند. حال این پرسش مطرح است که آیا بعضی از مالکین، بدون کسب اذن

از دیگر مالکین، حق تصرف مادی در مشاع را دارند؟ به نظر می‌رسد ماده ۵۸۲ قانون مدنی، با این عبارت که: «شریکی که بدون اذن یا خارج از حدود اذن، تصرف در اموال شرکت نماید، ضامن است»، ناظر به انجام تصرفات مادی بوده و صریحاً تصرف بدون اذن را منع می‌کند. فایده اذن شرکاء، این است که هر شریک با گرفتن اذن از شرکای دیگر، هم به حقوق و مالکیت مشاعی شرکاء احترام می‌گذارد و هم سبب می‌شود که با اذن گرفتن، مزاحمتی برای سهام شرکاء به وجود نیاید (غروی اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ۱۷۷) و (شهیدی، ۱۴۰۳، ۴۱).

بنابراین، هیچ یک از شرکاء قانوناً نمی‌تواند بدون اذن سایر شرکاء، در مال مشاع تصرف کند؛ اعم از این که تصرف مادی به منظور اجرای یک عمل حقوقی باشد، مانند آن که شریک، سهم خود را از مال مشاع به دیگری اجاره دهد و آن را برای استفاده مستأجر به وی تسلیم کند یا آن که تصرف مادی، ارتباطی به عمل حقوقی نداشته و مثلاً به منظور سکونت در خانه مشاع، قسمتی از مال را تصرف کند. اما تصرفات مادی در مال مشاع، در صورتی مجاز و صحیح است که با اذن مالکین بوده و مورد اذن نیز معلوم و معین باشد و تصرفات مادی در همان محدوده اذن صورت گیرد؛ ضمناً باید توجه داشت که اذن در تصرف مادی، فقط تا زمانی معتبر است که اذن‌دهنده، از اذن خود رجوع نکرده باشد والا به محض رجوع از اذن، تصرف مادی غیرقانونی بوده و موجب ضمان است (علیشاهی قلعه‌جوقی و اسکندری، ۱۳۹۸، ۸).

۲-۴-۲- مصادیق تصرفات حقوقی

تصرفاتی که موجب دخل و تصرف در مال مشاع می‌شود، تصرفات مادی در مال مشاع محسوب می‌شوند؛ مثل استفاده و انتفاع از مال مشاع. این تصرفات به دلیل این که مستلزم تجاوز به حق مالکیت دیگر شرکاء می‌باشند، ممنوع بوده و موجب ضمان است؛ اما تصرفات حقوقی، هیچ ملازمه‌ای با تصرف در سهام دیگران ندارند و موجب تجاوز به حق مالکیت شرکای دیگر نمی‌شوند؛ از قبیل بیع و اجاره مال مشاع (امامی، ۱۴۰۱، ۱۳۲) و (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۳، ۳۲۷).

تصرف حقوقی یا انجام معاملات توسط یکی از شرکای مال مشاع، در صورتی که نسبت به سهم دیگر شرکاء باشد، مسلماً صحیح نبوده و تابع مقررات «معامله فضولی» است. بدیهی است که هیچ شریکی حق ندارد در مال، تصرفی حقوقی نماید که نسبت به بیش از سهم خود باشد. مطابق ماده ۵۸۱ قانون مدنی: «تصرفات هریک از شرکاء، در صورتی که بدون اذن یا خارج از حدود اذن باشد، فضولی بوده و تابع

مقررات معاملات فضولی خواهد بود». ذکر اصطلاح معاملات فضولی به خوبی می‌رساند که منظور ماده ۵۸۱ قانون مدنی تصرفات حقوقی بوده و معاملات شریک در بیش از سهم خود و بدون اذن یا خارج از حدود اذن دیگر شرکاء را ممنوع کرده است. مفهوم مخالف ماده ۵۸۳ قانون مدنی، کاملاً مشخص می‌کند که هیچ یک از شرکاء حق ندارد بدون رضایت شرکای دیگر، بیش از سهم خود در مال مشاع را مورد معامله قرار دهد.

نتیجه

اصولاً مسئله حفظ و حراست از دارایی‌های فکری و نوآوری‌های تولید شده توسط افراد، بنگاه‌ها و... از اهمیت ویژه‌ای برای آن‌ها برخوردار است؛ چرا که فرایند سرمایه‌گذاری بر روی یک موضوع نو و پروژه جدید به خودی خود سرمایه‌بر و پرهزینه است و مخاطرات گوناگونی آن را تهدید می‌کند. بنابراین، اگر افراد، بنگاه‌ها و... نتوانند از سرمایه‌گذاری خود و ریسکی که متقبل شده‌اند، بهره‌برداری مناسب کنند و حقوق آن‌ها در بهره‌برداری و انتفاع از دارایی فکری تولید شده تضييع شود، انگیزه و تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری مجدد در این حوزه‌ها از دست می‌دهند.

در ابداعات و اختراعات مشترک و تحقیقاتی، موضوع حفظ و بهره‌برداری از دارایی‌های فکری از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است. این اهمیت از دو جنبه قابل توجه است؛ نخست این که وجود یک چهارچوب حقوقی و قراردادی قوی، شفاف و مدون که در آن سهم هریک از ذینفعان در دارایی فکری تولید شده در پروژه^{۳۱} مشخص شده و به رسمیت شناخته شود، عامل بسیار مهمی در ایجاد انگیزش و تهییج اشخاص و سازمان‌های مختلف برای مشارکت و نقش‌آفرینی در این قبیل پروژه‌ها است. دیگر اینکه وجود این چهارچوب حقوقی و قراردادی قوی و شفاف، بستر مناسبی را برای شکل‌گیری و تقویت اعتماد بین اعضاء پدید می‌آورد و زمینه پدید آمدن و بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه را در بین اعضاء از بین می‌برد.

با توجه به این که انگیزش و اعتماد در زمره اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر پایداری و ثبات شبکه‌های نوآوری، ابداعات و اختراعات مشترک به شمار می‌روند لذا وجود یک چهارچوب حقوقی و قراردادی قوی و شفاف در زمینه مالکیت فکری به‌طور مستقیم بر موفقیت و یا شکست شبکه‌ها اثرگذار خواهد بود.

از منظر حقوقی، «منشاء» اشتراک و «آثار» اشتراک را می‌توان مهم‌ترین مباحث ذیل موضوع اشتراک مالکیت در اموال فکری، قلمداد کرد. اشتراک در اموال عینی و مادی جزء پرسابقه‌ترین مباحث در ادبیات حقوق دانشگاهی و همچنین مستظهر به میراث غنی فقهی و تاریخی حقوقی در ایران است. باین‌حال، مبحث مشارکت در اموال غیرمادی و خصوصاً اموال و دارایی‌های فکری حاصل از همکاری‌های تحقیقاتی در ادبیات حقوقی ایران به نحو بایسته کاویده نشده است و این خود ابهام در منشأ بروز مشارکت در اموال غیرمادی و همچنین قواعد اعمال حقوق مالکانه مشترک بر این اموال و به‌خصوص تسهیم و تقسیم آن‌ها را صدچندان کرده است. از سوی دیگر، در کشورهای پیشرفته تحقیقات متعددی روی حجم و انواع همکاری‌های تحقیقاتی، فراوانی و پراکندگی آن‌ها در بخش‌های مختلف صنعت و همچنین الگوهای کلی مدیریت و بهره‌برداری از دارایی‌های فکری حاصل از این‌گونه همکاری‌ها از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد صورت گرفته است. ولی به‌رغم مطالعات و بررسی‌های منتشر شده تا به حال، هنوز رویه‌های حقوقی و همچنین قراردادی مربوط به بهره‌برداری مشترک و تسهیم دارایی‌های غیرمادی در کشورهای مختلف همگرایی معناداری را نشان نمی‌دهد. همین موضوع، ضرورت مطالعات تطبیقی در این حوزه را دوچندان کرده است.

اگر بپذیریم که قرارداد یکی از منشئات بروز اشتراک در اموال است، در ارتباط با اموال غیرمادی لازم است ماهیت این قراردادها به‌ویژه قراردادهای مربوط به همکاری‌های تحقیقاتی مطالعه و نسبت این انشاء با قواعد اعمال حقوق مالکانه مشترک بر منافع و دارایی‌های فکری حاصل از آن‌ها تحلیل شود. نتیجه این تحلیل خود مبنایی برای شناسایی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر تسهیم اموال غیرمادی و همچنین ارائه مدل‌های تسهیم اموال و منافع ناشیه مشترک خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- اصلانی، حمیدرضا، ۱۳۸۶، درآمدی بر حمایت از حق اختراع در حقوق ایران و چالش‌های حقوقی الحاق به موافقتنامه تریپس، **فصلنامه حقوق اسلامی**، شماره ۱۳.
- امامی، اسدالله، ۱۴۰۱، **حقوق مالکیت معنوی**، جد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان.
- باریکلو، علی رضا، ۱۴۰۲، **مسئولیت مدنی**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۴۰۰، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۴۰۳، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ سی و نهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- داراب پور، مهرباب، ۱۳۹۹، **مسئولیت‌های خارج از قرارداد**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد.
- شبیری زنجانی، سیدحسن، ۱۳۹۶، مطالعه تطبیقی مفهوم و ماهیت حق انتساب اثر ادبی و هنری در نظام‌های حقوقی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۷۹.
- شهیدی، مهدی، ۱۴۰۳، **حقوق مدنی شش**، چاپ سی ام، تهران، انتشارات مجد.
- شیخی، مریم، ۱۳۸۵، ضمانت اجراهای گمرکی نقض حقوق مالکیت صنعتی مطالعه تطبیقی، **فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی**، شماره ۴۱.
- فصیحی زاده، علیرضا، ۱۳۸۰، **اذن و آثار حقوقی آن**، چاپ دوم، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- قاسم زاده، مرتضی، ۱۴۰۰، **الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات میزان.
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل و فرزانه اسکندری، ۱۳۹۸، کیفیت تصرفات در مال مشاع، **فصلنامه مطالعات فقهی و فلسفی**، شماره ۳۷.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۳، **دوره حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها**، چاپ دهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- محمدزاده و ارقانی، علیرضا، ۱۳۸۷، تأملی در آثار مشترک و جمعی در حقوق مالکیت فکری، **فصلنامه**

حقوق، شماره ۲.

- هاشمی، شیماسادات، ۱۳۸۶، بررسی مراحل ثبت اختراع در ایران، اتحادیه و آمریکا، مجله رشد فناوری، شماره ۱۲.

عربی

- بیهقی، محمد بن حسن، ۱۴۱۹ق، السنن الكبرى، بیروت، انتشارات دارالفکر.
- حلی، جعفر بن حسن، ۱۳۷۶، المختصر النافع فی فقه الامامیه، قم، انتشارات مطبوعات دینی.
- غروی اصفهانی، محمدحسین، ۱۴۱۴ق، نهایه الدرايه فی شرح الکفایه، چاپ اول، قم، انتشارات آل البيت.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۲، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ ششم، تهران، انتشارات اسلامیة.



Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori Jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaiean, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhraei, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumars
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibolah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri